

وضعیت مانک‌ها و فضاهای سبز شهری براساس نیاز بهره‌مندان، نمونه مورد مطالعه شهر قوچان

رستم صابری‌فر^۱

دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

Condition of Urban Parks and Green Spaces based on the Needs of the Beneficiaries, Case Study, Qochan

Rostam Saberifar

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2021/-/- Accepted: 2022/-/-

Abstract

برخلاف اهمیت و جایگاه فضاهای سبز شهری در بهزیستی مردم و پایداری شهرها، در مکان‌یابی و رعایت تناسب نسبت این فضاها با جمعیت، دقت لازم صورت نمی‌گیرد. چنین روندی مشکلات فراوانی برای شهر و ساکنین آن ایجاد می‌کند. به این منظور، بررسی کنونی به شیوه توصیفی و تحلیلی، به انجام رسید تا شرایط واقعی مانک‌های شهری و اثر آن‌ها را بر برخی از ویژگی‌های سلامتی و رفتارهای اجتماعی شهروندان به خصوص گروه‌هایی که از روستا به شهر قوچان مهاجرت کرده بودند، مورد ارزیابی قرار دهد. داده‌های مورد نیاز برای مانک‌ها با نظرسنجی از صاحب‌نظران، برای گروه‌های گوناگون از نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر از مهاجران و برای نمونه اصلی از ۲۸۶ نفر از مهاجران قدیمی و با استفاده از دو پرسشنامه جداگانه به دست آمد. داده‌های گردآمده برای کیفیت مانک‌ها با مدل‌های تحلیل شبکه‌ای و ANP، تاپسیس و الکترا و برای سایر داده‌ها با آزمون‌های یومن-وینتی و به کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که سلامت عمومی گروه اول و به‌طور مشخص، آنانی که در مجاورت کوهستان پارک شادی سکونت دارند، بهتر از سایر گروه‌هاست. علاوه بر آن، مهاجرین قدیمی که عمدتاً از مناطق کوهستانی بودند و دسترسی کمتری به مانک‌های مناسب داشتند، سلامتی پایین‌تری را تجربه می‌کردند. نمره سایر پارامترهای اجتماعی و فرهنگی نیز بین این دو گروه از ۳۰ تا بیش از ۴۳ متفاوت بود. بدین معنا که دو گروه اخیر، حداقل در برخی از زمینه‌ها، با چالش‌هایی روبرو بودند. به خصوص این امر برای گروه‌هایی که دسترسی کمتری به مانک‌ها به خصوص مانک‌های مناسب‌تر داشتند، نگران‌کننده‌تر بود. بر این اساس، برای کاهش تنش‌های موجود، فراهم آوردن فضای سبز کافی، مجهز، دسترسی بهتر و هماهنگ با نیاز بهره‌مندان، ضرورت دارد.

چکیده

واژگان کلیدی

مانک‌ها، نیاز بهره‌مندان، سلامتی، برابری اجتماعی، قوچان.

Despite the importance and position of urban green spaces in people's well-being and the sustainability of cities, the necessary care is not taken in locating and respecting the proportion of these spaces and the population. Such a trend creates many problems for the city and its residents. The present study was carried out in a descriptive and analytical way. The aim was to determine the real conditions of urban parks and their effect on some health characteristics and social behaviors of citizens. The sample was determined from the groups that had migrated from the village to the city of Quchan. The required data for the parks was obtained by surveying the experts. To determine the level of health, the health status of 30 new immigrants was first determined. The data was obtained with two separate questionnaires. The data related to the quality of the parks were analyzed with network analysis models and ANP, TOPSIS and Electra. The results showed that the general health of the group with better access is higher. This privilege was set for those who lived in the vicinity of the Happy Park Mountain, more than others. The score of other social and cultural parameters was also different between these two groups from 30 to more than 43. According to these statistics, both groups are somewhat in trouble. This concern is more for groups that have less access to parks. As a result, in order to reduce existing tensions, it is necessary to provide sufficient green space, equipped, with better access and coordinated with the needs of the beneficiaries.

Keywords

Parks, Beneficiary Needs, Health, Social Equality, Quchan.

E-mail: r_saberifar@pnu.ac.ir

*نویسنده مسئول: رستم صابری‌فر

*Corresponding Author: Rostam Saberifar

مقدمه

فضاهای سبز شهری، نقش مهمی در سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی بازی کرده و عامل مهمی در خلق شهرها و جوامع پایدار محسوب می‌شوند. با افزایش جمعیت و رشد ساخت و ساز شهری، هر روز بخش بیشتری از پهنه‌های سبز شهرها کاسته شده و مشکلات بیشتری برای انسان شهرنشین ایجاد می‌شود (Yang et al., 2024: 3). مشکل اصلی در شهرهای کنونی، تراکم و ازدحام گروهی زیادی از جمعیت در مساحت اندکی از زمین است. برآوردها نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان، در شهرهایی ساکن هستند که کمتر از ۳ درصد از مساحت زمین را اشغال می‌کنند (Maury-Mora et al., 2022: 6). شاید تنها بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بساز و بفروش‌ها قرار دارند، کوه‌ها، سیستم‌های آبی و مناطق سبز هستند. اما این پهنه‌ها، علی‌رغم ارزش و اهمیتی که برای پاک‌ی و سرسبزی شهر دارند، بسیار مستعد تجاوز هستند و در صورتی که تأکید و توجه مناسبی نسبت به آن‌ها نشود، به راحتی تغییر کاربری می‌دهند (Wu et al., 2023: 43). علیرغم مزایای اقتصادی و اجتماعی ناشی از شهرنشینی، با توسعه این روند، مشکلات زیست‌محیطی فراوانی به خصوص حذف تنوع زیستی، افزایش انتشار کربن دی‌اکسید و آلودگی هوا و آلودگی صوتی ایجاد شده است (Girma et al., 2019: 69). حذف بسیاری از این مشکلات تنها با توسعه و تنوع فضاهای سبز شهری ممکن می‌باشد علاوه بر آن، در دسترس بودن فضاهای سبز نه تنها مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را بیشتر می‌کند (Reyes-Riveros et al., 2021: 29)، بلکه دل‌بستگی و انسجام اجتماعی را تقویت کرده (Liu et al., 2020: 65) و سلامت و رفاه ساکنان را بهبود می‌بخشد (Qin et al., 2021: 31). به همین دلیل، مدیران شهری تلاش وافر می‌دهند که این امکانات در اختیار شهروندان قرار گیرد (داز و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۱). اما، علی‌رغم تلاش‌های گسترده صورت گرفته در این حوزه، به دلیل این که چنین کوشش‌هایی نیاز خاص شهروندان (ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی) را مدنظر قرار ندادند، در تأمین سلامت و رضایت ساکنین، کمترین توفیق را داشته‌اند (Hartig et al., 1991: 23). حتی در مواردی، وجود و گسترش چنین کاربری‌هایی در بخش‌های خاصی از شهر، تفاوت‌های منطقه‌ای را بیشتر کرده و چون بر قیمت اراضی و مسکن اثرگذار بوده است، بخشی از جمعیت را از دسترسی به این مهم محروم ساخته است. این شرایط در ایران نیز به عینه قابل مشاهده است. به طوری که در کلان‌شهر مشهد، بهترین و مجهزترین مانک‌ها در مناطق اعیان‌نشین شهر استقرار پیدا نموده‌اند (صابری‌فر، ۱۴۰۲). در قوچان نیز تنگناهای مربوط به فضاهای سبز اگر بیشتر از ایران نباشد کمتر از آن نیست.

قوچان در شمال غربی استان خراسان رضوی در پهنه‌ای ناهموار و کوهستانی استقرار یافته و به جز نواحی شهر قوچان و فاروج، بقیه این محدوده در تصرف ارتفاعات، فلات‌های و تپه‌ها قرار دارد. در حقیقت، تمامی وسعت این شهرستان در دشتی واقع شده است که رشته کوه-های هزار مسجد-کپه‌داغ و بینالود-آلاداغ آن را در بر گرفته است. ساختار اصلی شهر قوچان شطرنجی است و به جز چهار خیابان اصلی، بقیه زواندی است که از این خیابان‌ها انشعب پیدا کرده است. شهر قوچان در فاصله ۱۳۰ کیلومتری مشهد مقدس و در مسیر جاده آسیایی و شمال شرقی کشور قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۵۰ متر است. این شهر با قرار گرفتن در بین ارتفاعات هزار مسجد و آلا داغ، دارای آب و هوای معتدل و سرد است.

شهر قوچان در زلزله پیاپی سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ هجری قمری تقریباً به طول کامل ویران گردید. علاوه بر آن، سیل ۱۳۵۵ هجری شمسی نیز آسیب‌های بیشتری به شهر جدید و شهر قدیم (قوچان عتیق) وارد آورد. البته در همان سال‌های وقوع زلزله، شجاع‌الدوله محمدناصر خان پس از تهیه زمین در حدود ۱۲ کیلومتری شهر مخروبه مکانی را برای ایجاد شهر جدید در نظر گرفت و به بازسازی این شهر اقدام کرد. با توجه استقرار این شهر در دشت قوچان و شرایط طبیعی و اقلیمی نسبتاً مناسب، حجم و کیفیت فضاهای سبز در مقایسه با بسیاری از شهرهای استان خراسان رضوی، وضعیت بهتر و مناسبی دارد. با وجود این، هنوز هم سرانه فضای سبز در این شهر در حد سه چهارم سرانه استاندارد کشور می‌باشد (گندمکار، ۱۴۰۱: ۵۷).

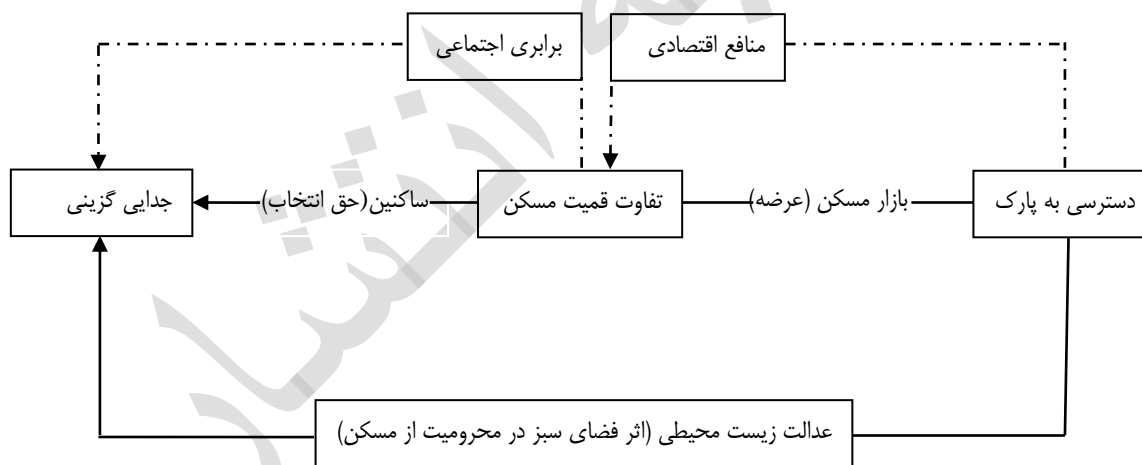
علی‌رغم مطالعات متعددی که در خارج و داخل ایران و حتی شهر قوچان به انجام رسیده است، کمتر به آثار و پیامدهای منفی ناشی از پراکنش غیراصولی مانک‌ها و عدم تأکید به نیاز شهروندان توجه شده و در هیچ‌یک از این بررسی‌ها روش مشخص و معینی هم برای این تناقض اساسی معرفی نشده است. به همین دلیل، این بررسی در این حوزه و شهر قوچان به انجام رسید تا مشخص گردد که این تناقض تنها در کلان‌شهرها مطرح نبوده و حتی در شهرهای متوسط و کوچک نیز قابل‌ردیابی و بررسی است. بنابراین، سؤالات اصلی این پژوهش آن است که آیا سلامت عمومی شهروندانی با توجه به فاصله آن‌ها تا مانک‌ها متفاوت می‌باشد. همچنین آیا مانک‌ها با توجه وسعت و موقعیت استقرار در شهر، تأثیرات متفاوتی بر زندگی و سلامت شهروندان دارند و یا خیر؟ و در نهایت این که کدام عوامل اثربخشی فضاهای سبز شهری را بر زندگی و سلامت شهروندان تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

مبانی نظری

چارچوب نظری

دو دیدگاه کلی در زمینه توزیع فضاهای باز و سبز شهری وجود دارد. دیدگاه اول پراکنش متمرکز و ممتد این فضاها و اثر آن بر شکل شهر را مدنظر دارد و دیدگاه دوم، پراکندگی فضاها سبز در قالب قطعات کوچک در سراسر بافت شهری مدنظر است. چرا که اعتقاد بر این است که در صورت پراکنش فضاهای سبز در نقاط مختلف شهر، سهولت دسترسی به آن‌ها تضمین می‌شود (صابری‌فر، ۱۳۹۴: ۳۹). در دیدگاه اول، تصور آن است که وقتی فضاهای سبز در شهر وجود داشته باشد، جمعیت ساکن در آن می‌تواند به راحتی و سهولت از آن‌ها بهره‌برداری نماید. اما در رویکرد دوم، این تفکر مطرح است که بهره‌مندی از فضاهای سبز موجود، نیازمند در اختیار داشتن برخی از قابلیت‌هاست که این امکانات برای همه شهروندان مهیا نمی‌باشد. از همین رو، عنوان شده است که کاهش پهنه‌های سبز و دسترسی مشکل‌تر به آن‌ها، تنها ابعاد زیستی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه در مسکن و استراتژی‌های توسعه نیز به شدت مؤثر می‌باشد (La Rosa et al., 2018: 347). علاوه بر تأثیرات اقتصادی فضاهای سبز بر مسکن، ابعاد اجتماعی آن نیز قابل توجه است. در حقیقت حذف این‌گونه فضاها در بخش‌های کمتر توسعه‌یافته و اختصاص آن به ساخت و ساز، تفاوت‌های بخش‌های مختلف شهر را بیشتر کرده (شکل ۱) و علاوه بر شکاف‌های قبلی، این اختلاف نیز در تفکیک و جدایی‌گزینی اجتماعی پررنگ می‌شود (Bottero et al., 2022: 45; Ugolini et al., 2021: 27). همین شرایط است که اگر در توزیع مناسب مانک‌ها و فضاهای سبزی شهری توجه و دقت نشود، نوعی تناقض در این زمینه بروز می‌کند. یعنی به جای این که چنین عاملی، منجر به رفاه و آسایش شهروندان شود، برابری اجتماعی را به هم زده و نوعی نقص غرض می‌شود (Du & Zhang, 2020: 16). با وجود این، این نقیصه کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و بسیاری از آن‌ها، بیشتر بر منافع اقتصادی یا برابری اجتماعی فضاهای سبز شهری تمرکز کرده و از موضوع تناقض ناشی از تعامل آن‌ها غفلت کرده‌اند (Iftexhar et al., 2022). شرایط توصیف شده نشانگر آن است که تکیه صرف بر شاخص‌های عینی برای ارزیابی عدالت اجتماعی فضاهای سبز به اندازه کافی گویا نبوده و نمی‌تواند ابعاد مختلف این مسئله را روشن نماید. به همین دلیل، ضرورت دارد تا ترکیب برداشت‌های ذهنی از گروه‌های مختلف مقیم برای دستیابی به درکی ظریف‌تر مدنظر قرار گیرد (Yang et al., 2024).



شکل ۱. جدایی‌گزینی مسکونی ناشی از اثر فضای سبز بر قیمت مسکن

مأخذ: Wu & Rowe, 2022: 45

تحقیقات جدید نشانگر آن است که وسعت پیدا کردن فضاهای شهری، به ارتقای وضعیت اقتصادی شهر کمک کرده، اما به اشکال مختلف، گروه‌های مختلف اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و همین امر، محققان را با این سؤال اساسی مواجه ساخته است که چگونه می‌توان این دو مؤلفه را هم‌راستا و در جهت تأمین منافع گروه بیشتری از ذینفعان سازمان‌دهی کرد (Cao et al., 2024: 55). در شرایط کنونی، با افزایش قیمت مسکن ناشی از همجواری با فضاهای سبز بیشتر و مناسب‌تر، حاشیه‌نشینی تدریجی گروه‌های آسیب‌پذیری را زمینه‌سازی می‌کند (Balikçi et al., 2022: 2389). دلیل این امر آن است که با افزایش قیمت چنین مسکنی، گروه‌های آسیب‌پذیر، شانس دسترسی کمتری به این مسکن خواهند داشت. زیرا مسکن مورد اشاره، از حیثه توان قابل پرداخت آن‌ها خارج شده و آن‌ها ناچارند،

فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال دوازده، شماره ۲، پیاپی ۱، زمستان ۱۳۹۹؟؟؟

به مکان‌های حاشیه‌ای‌تر عقب‌نشینی کرده و آسیب‌های بیشتر را به سبب دسترسی کمتر به فضاهای شهری مناسب و امکاناتی که پهنه‌های سبز در اختیار قرار می‌دهند، متقبل گردند (Hunter et al., 2019: 52). گروه‌های ذی‌نفع، طراحان فاقد بینش اجتماعی و اصولاً مدیران شهری که صرفاً به منافع اقتصادی توجه دارند، در مکان‌یابی و طراحی مانک‌ها مداخله کرده و این روند را به شکلی تغییر می‌دهند که عملاً دسترسی گروه‌های فقیر را غیرممکن نموده و یا به شکل قابل‌ملاحظه‌ای کاهش می‌دهند. در واقع، همین شرایط است که فضاهای ایجاد شده نسبتی با تقاضای موجود نداشته و عملاً برخی از ساکنین به این فضاها دسترسی پیدا نکرده و ارائه خدمات را به شکل غیر متوازنی در پی می‌آورد (Kato-Huerta & Geneletti, 2023: 49).

شرایط مورد اشاره، مشکلات عدیده‌ای را برای گروه‌های فقیر باعث می‌شود که تقریباً همه ابعاد زندگی آنان را متأثر می‌سازد. اما، بررسی همه این ابعاد نه تنها مشکل که بعضاً غیرممکن است. در نتیجه، در این بررسی تلاش شد برخی از این ابعاد در قالب معیار سلامت که مؤلفه‌های مشخص و قابل‌سنجشی دارد، مورد ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان مدل نظری تحقیق کنونی را به صورت شکل ۲، ارائه کرد.

پیشینه‌های پژوهش

از زمان شکل‌گیری اولین شهرها، وجود فضای سبز یکی از اجزای اصلی و همیشگی این سکونتگاه‌ها محسوب می‌شده است. به طوری که در کنگره سیام، این مجموعه‌ها در کنار مسکن، اشتغال و حمل و نقل، چهار رکن زندگی شهری قلمداد شدند (صابری‌فر، ۱۳۹۴: ۳۹). از آن زمان تاکنون تحقیقات و بررسی‌های فراوانی در این ارتباط به انجام رسیده است. علی‌رغم گستردگی این نوع تحقیقات، مواردی که به بحث توجه به نوع نیاز شهروندان و تأثیرات متناقض فضاهای سبز شهری پرداخته‌اند، بسیار کم و تقریباً نادر می‌باشد. با وجود این، چون برخی از این بررسی‌ها به جنبه‌هایی از این حوزه توجه داشته‌اند، برخی از آن‌ها در این بخش و در دو گروه تحقیقات داخلی و خارجی معرفی می‌شود. هاشمی و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل روند تغییرات فضای سبز شهری؛ مطالعه موردی منطقه دو تهران» دریافته‌اند که اصلی‌ترین کارکرد فضاهای سبز شهری، بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی است.

صابری‌فر (۱۳۹۴)، بررسی خود را تحت عنوان «نقش طراحی و تجهیز مانک‌های شهری در جلب و تأمین نیاز مراجعه‌کنندگان (نمونه موردی مانک‌های شهری مشهد)» به انجام رساند و نتیجه‌گیری کرد که هر نوع فضای سبز شهری، مراجعان خاصی را به سوی خود جلب نموده و اگر قرار باشد بازدید از مانک‌ها و فضاهای سبز شهری بیشتر شود، بایستی این فضاها بر اساس نیاز شهروندان طراحی و تجهیز شوند.

جوان و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه خود که به اسم «تحلیل مقایسه‌ای روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره AHP و ANP در مکان‌یابی مانک‌های شهری منتشر نمودند، اعلام داشتند اغلب مانک‌ها بدون توجه به تراکم جمعیت و نیاز آن‌ها مکان‌گزینی شده‌اند. یکسال بعد، جنادله (۱۳۹۵)، تحقیقی با نام «فضاهای سبز شهری و کیفیت زندگی (مدلی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوستان‌ها و فضاهای سبز شهری و کاربرد تجربی آن در سه بوستان شهری تهران)» به انجام رساند و تأثیر این فضاها را بر ایجاد اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنین مورد ارزیابی قرار داد.

دویران و غایب‌لو (۱۳۹۷)، بررسی خود را با عنوان «سنجش کیفی وضعیت پایداری ایمنی در مانک‌های شهری» منتشر نموده و نشان دادند که علت عدم اقبال مردم به مانک‌های شهری، فقدان امنیت و ایمنی این فضاها می‌باشد. اکبری‌ان (۱۳۹۸)، در مطالعه خود بر تأثیر فضاهای سبز شهری در بهبود سلامت روانی تأکید نمود.

فاطمی و همکاران (۱۴۰۰)، مطالعه‌ای را با نام «نقش فضاهای سبز شهری» منتشر نموده و تأمین امنیت را در شمار اصلی‌ترین عملکردهای این‌گونه فضاها معرفی نمودند.

انجم‌الشعاع و همکاران (۱۴۰۰)، کاهش حرارت و تلطیف هوا؛ ضرغامپور و قشقایی (۱۴۰۰)، افزایش مراودات اجتماعی و عباسی (۱۴۰۰)، تأثیر بر منظر و زیبایی‌شناختی شهر را در تحقیقات خود، مهم‌تر از سایر عملکردها ارزیابی کردند. در مطالعه رجایی و همکاران (۱۴۰۱) که با عنوان «تحلیل اثربخشی سازه‌های تطبیق با تغییر اقلیم و بر مدیریت پایدار آب در بخش سبز تهران» صورت گرفته‌است، ادعا شده که میزان و نحوه دسترسی به فضاهای سبز شهری، یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده کیفیت زندگی محسوب می‌شود.

گندمکار (۱۴۰۱)، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقش فضای سبز در توسعه پایدار اکولوژیک شهرهای میانه، مورد شهر قوچان» تهیه نمود و در آن، تناسب پراکنش این مانک‌ها را متناسب با اهداف مورد توجه در بخش پایداری اکولوژیک، ندانست.

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

حیدری (۱۴۰۳)، بررسی خود را با نام «تحلیل ساختار فضایی مانک‌های شهری از منظر پتانسیل‌های وقوع جرم برای زنان، نمونه موردی پارک آزادی شیراز» منتشر کرد و نشان داد که عملکرد اجتماعی و اقتصادی این مانک‌ها، تأثیر مثبتی بر وقوع جرم در شیراز دارد. مهدنژاد و امینی (۱۴۰۳)، مطالعه‌ای را با عنوان «گونه‌شناسی الگوهای شهرهای پساکرونا با رویکرد فراتحلیل» به انجام رسانده و نشان دادند که یکی از عملکردهای اصلی چنین شهرهایی، فضاهای سبز وسیع و متنوع می‌باشد.

مطالعات صورت گرفته در ارتباط با فضاهای سبز شهری و حتی تناسب این فضاها با نیاز شهروندان در خارج از ایران نیز فراوان و متنوع بوده است. با این وجود، کمتر مطالعه‌ای به تأثیرات دوگانه این فضاها پرداخته‌است. با توجه به این که برخی از شاخص‌ها و روش‌های مورد استفاده در این بررسی‌ها، در مطالعه حاضر هم مدنظر بوده است، برخی از این مطالعات در این بخش معرفی می‌گردد. شاید اولین پژوهشی که نشان داد فضاهای سبز، تأثیرات چندجانبه‌ای دارد و اگر مبتنی بر نیاز شهروندان طراحی و مکان‌یابی نشوند، پیامدهای منفی آن‌ها بیش از آثار مثبت‌شان خواهد بود، بررسی لروزا^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، باشد. این گروه نشان دادند که مانک‌ها و فضاهای سبز شهری همچنان که می‌توانند بر ابعاد زیستی و اکولوژیکی شهر اثرگذار باشند، قیمت مسکن و پراکنش جمعیت در سطح شهر را هم متأثر می‌سازند.

هانتر^۲ و همکاران (۲۰۱۹)، اثر توزیع نامناسب مانک‌ها و فضاهای سبز شهری را در توسعه حاشیه‌نشینی مورد تأکید قرار دادند. دو و ژانگ^۳ (۲۰۲۰)، در بررسی خود ادعا نمودند که اگر استقرار مانک‌ها و تجهیزات مرتبط با توجه به نیاز استفاده‌کنندگان مورد توجه قرار نگیرد، این زیرساخت‌ها، نه تنها به توسعه پایدار کمکی نخواهند کرد، بلکه در جهت عکس آن عمل می‌کنند.

دو وال^۴ (۲۰۲۱)، مطالعه‌ای را با عنوان «آخرین آغوش ماما» منتشر نمود که اگرچه عمدتاً در مورد رفتار شامپانزه‌ها در فضاهای بسته بود، اما به تأثیر فضاهای سبز به صورت کمی اشاره نمود که چون به نوعی با برخی از شاخص‌های مدنظر این پژوهش هم‌خوانی داشت، در این بخش معرفی گردید.

اوگولینی^۵ و همکاران (۲۰۲۱) نیز مطالعه‌ای با نام «استفاده از فضای سبز شهری و احساس محرومیت مرتبط با آن در دوران قرنطینه کرونا» انجام دادند و به نوعی به شیوه دسترسی طبقات مختلف به فضاهای سبز شهری اشاره نمودند و نشان دادند که طبقات محروم، به دلایل مختلف به چنین فضاهایی دسترسی ندارند.

بوترو^۶ و همکاران (۲۰۲۲)، مطالعه خود را در ارتباط با مانک‌های شهری، ارتقای ارزش‌ها و اعیان‌سازی فضاهای سبز به انجام رساندند و اعلام کردند که روند کنونی مکان‌یابی فضاهای سبز شهری به نحوی انجام می‌شود که این فضاها از دسترس طبقات کم‌درآمد خارج می‌شود. همین روند در کارهای افتخار^۷ و همکاران (۲۰۲۲)؛ کاتو-هورتا و ژنلتی^۸ (۲۰۲۳)؛ یانگ^۹ و همکاران (۲۰۲۴) و کائو^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۴) پیگیری و دنبال شد و مشخص گردید که مانک‌ها و فضاهای سبز شهری اگر مطابق با نیاز شهروندان مکان‌یابی و طراحی نشوند، نه تنها اثری در بهزیستی و رفاه همه ساکنین نخواهند داشت، بلکه جدایی‌گزینی اجتماعی را بیشتر می‌کنند.

همانطور که از بررسی مختصر فوق بر می‌آید، علی‌رغم آن که تحقیقات زیادی در ایران و خارج کشور به انجام رسیده است، اما در ارتباط با اهداف مدنظر این بررسی پژوهشی به انجام نرسیده و تفاوت نیازهای شهروندان به فضاهای سبز عملاً مدنظر نبوده و در شهر قوچان تحقیقی که به نحوه دسترسی مهاجرت تأکید داشته باشد، یافت نشد.

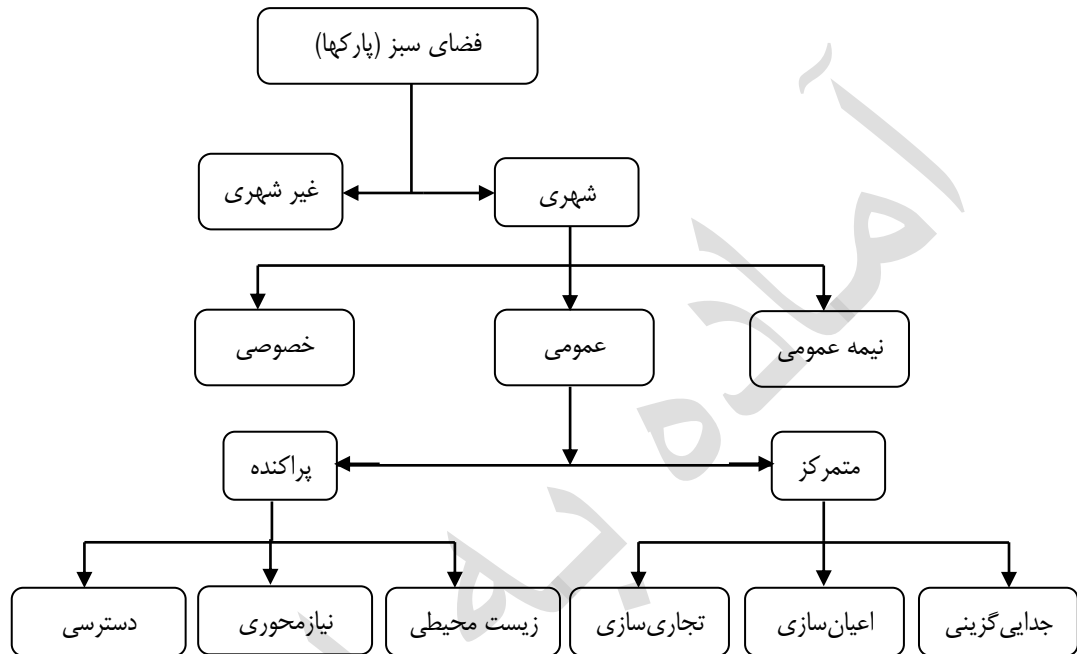
روش انجام پژوهش

این پژوهش، از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و در قالب بررسی‌های میدانی و با هدف کاربردی به انجام رسید. هدف اصلی در این بررسی آن بود که مشخص نماید آیا فضای سبز شهری متعادل بر روی سلامتی و تعاملات اجتماعی مهاجرین اثرگذار بود و یا خیر؟ از آنجا که

1. La Rosa
2. Hunter
3. Du & Zhang
4. De Val
5. Ugolini
6. Bottero
7. Iftekhhar
8. Kato-Huerta & Geneletti
9. Yang
10. Cao

فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال دوازده، شماره ؟، پیاپی ؟، زمستان ؟؟؟

امکان مقایسه برای شهروندان بومی فراهم نبود، این فرضیه در ارتباط با مهاجرین وارد شده به شهر قوچان مورد آزمون قرار گرفت تا مشخص شود آیا با افزایش اقامت این گروه، وضعیت سلامت و تعاملات اجتماعی آن‌ها تغییر پیدا می‌کند یا خیر و در صورت تغییر، کدام عامل و با چه کیفیتی در کنترل این موارد اثرگذار است. به این منظور، در ابتدا وضعیت سلامت مهاجرین تازه‌وارد (۳۰ نفر که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند) و زمان اقامت آن‌ها به کمتر از یک سال می‌رسید، تعیین شد و نمرات این گروه با افرادی که مدت بیشتری در شهر اقامت داشتند، مورد مقایسه قرار گرفت.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق

در بخش دوم، جامعه‌ی پژوهش، روستائینی بودند که در طی ۲۰ سال اخیر به شهر قوچان وارد شده بودند. با توجه به این که تعداد دقیق مهاجران این دوره مشخص نبود، با استفاده از روش نمونه‌گیری از جمعیت‌های پنهان، از این جامعه، ۳۰۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که به دلیل نقص در برخی از پرسشنامه‌ها، ۲۸۶ مورد از آن‌ها در تحلیل نهایی وارد شد. در انتخاب پاسخگویان در بین اعضای خانوار، معمولاً سرپرست خانوار مدنظر بود. اما اگر سرپرست در دسترس نبود، تلاش شد کسانی در پاسخگویی شرکت داده شوند که از تحصیلات بیشتری برخوردار بوده و ترجیحاً با مفاهیم مربوط به استرس و اضطراب آشنایی نسبی داشته باشند. داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسشنامه‌های محقق ساخته در زمینه وضعیت مانگ‌ها، خصایص جمعیت‌شناختی و وضعیت سکونت و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28)، برای وضعیت سلامت و تعاملات اجتماعی، گردآوری شد. پرسشنامه اول با استفاده از نظر صاحب‌نظران این حوزه و آلفای کرونباخ (ضریب ۰/۸۳) از نظر پایایی و روایی مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه سلامت عمومی مورد استفاده در این بررسی هم قبل از این، به لحاظ روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفته بود. پرسشنامه اخیرالذکر در جمعیت‌های سالم، برای تشخیص مشکلات روانی خفیف استفاده می‌شود. نمرات بالا در این آزمون، نشان‌دهنده‌ی وضعیت سلامتی پایین فرد است. فرم ۲۸ گویه‌ای پرسشنامه سلامت عمومی، دارای چهار خرده مقیاس نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی می‌باشد. از مجموع نمرات این چهار خرده مقیاس نیز یک نمره کلی برای سلامتی افراد به دست می‌آید (دادستان، ۱۳۹۷: ۴۸). در تحقیق بهزادی و افراز (۱۳۹۷: ۲۷) پایایی آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب، برای خرده مقیاس‌های نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی و مقیاس کلی سلامت روانی برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۷، ۰/۶۸، ۰/۸۵ و ۰/۹۰ بوده است. این آزمون پایایی و اعتبار مناسبی دارد که موجب می‌شود ابزار شایسته‌ای برای غربالگری در مطالعات اپیدمیولوژیک و اختلالات روانی باشد (دادستان، ۱۳۹۷: ۵۱).

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

نمرات چهار بعد مختلف سلامت عمومی در بین دو گروه به‌صورت جداگانه و به شکل نمره کل محاسبه شدند و معنی‌داری تفاوت آن‌ها به کمک آزمون آماری یومن-ویتنی مورد مقایسه قرار گرفت و در نهایت به دلیل عدم برقراری شرایط نرمالیت به توزیع نمرات آزمون سلامت عمومی دوگروه، اصلاح بونفرونی بر روی نتایج نهایی اعمال گردید (بهزادی و افراز، ۱۳۹۷: ۲۷). در بخش داده‌های دموگرافیکی هم فرد پاسخ‌گو سرپرست خانوار بود و علاوه بر مشخصات جمعیتی به دو گزینه به شیوه خوداظهاری درباره وضعیت رفاه و اختلال و درگیری با همسایگان پاسخ گفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تعیین کیفیت مانک‌ها از تحلیل شبکه‌ای و مدل‌های ANP، تاپسیس و الکترا و برای سایر داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی به کمک نرم‌افزار SPSS بهره‌برداری شد.

با وجود آن‌که مدل‌های مورد استفاده در این بررسی، در تحقیقات متعددی معرفی شده‌اند، اما به جهت آن‌که نیاز به مراجعه مکرر به تحقیقات قبلی نباشد، در اینجا به‌طور مختصر به معرفی این مدل‌ها می‌پردازد. فرآیند تحلیل شبکه‌ای چون حالت عمومی AHP و شکل گسترده آن است، در بسیاری از موارد قابلیت کاربرد دارد. در واقع، فرآیند تحلیل شبکه‌ای هر موضوع و مسئله‌ای را به‌مثابه شبکه‌ای از معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها که با یکدیگر در خوشه‌هایی جمع شده‌اند، در نظر می‌گیرد (صابری‌فر و مزرعه، ۱۳۹۳: ۸۰). یکی از راه‌های انجام محاسبات در روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای این است که وزن‌های به دست آمده از انجام مقایسه‌های زوجی در ماتریسی به نام سوپر ماتریس باشد (گندمکار، ۱۴۰۱: ۱۶). فرآیند تحلیل شبکه‌ای نظریه‌ای است که فرآیند تحلیل سلسله مراتبی را برای پرداختن به وابستگی در بازخورد توسعه می‌دهد و به این منظور از رهیافت ابر ماتریس استفاده می‌کند. ساعتی^۱ روش ANP را برای حل مسائلی که وابستگی به گزینه‌ها یا معیارها دارند، پایه‌ریزی کرد (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

یک مسئله تصمیم‌گیری چند شاخصه را اصولاً می‌توان در یک ماتریس تصمیم‌گیری خلاصه نمود که سطرهای آن گزینه‌ها را مشخص می‌کند. همچنین سلول‌های داخل ماتریس، موقعیت گزینه سطری را نسبت به شاخص ستونی نشان می‌دهد (عسگری‌پور، ۱۳۸۵: ۵۸). هر مسئله تصمیم‌گیری چند شاخصه با دو مشکل انتخاب تصمیم‌گیری و انتخاب تکنیک وزندهی روبه‌رو است (قاضی‌نوری، ۱۳۸۴: ۳). در این راستا TOPSIS به‌عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند شاخصه، روشی ساده، ولی کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌شود. این روش در سال ۱۹۹۲ به وسیله چن و هوانگ مطرح شده است. الگوریتم TOPSIS یک تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌آل است که به نوع تکنیک وزن‌دهی، حساسیت بسیار کمی داشته و پاسخ‌های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی‌کند (گندمکار، ۱۴۰۱: ۵). به‌طور کلی، در روش تاپسیس، ماتریس $n \times m$ که دارای m گزینه و n معیار است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری، دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهش‌یکنواخت است (صابری‌فر و مزرعه، ۱۳۹۳: ۷۹).

روش الکترا یا تسلط تقریبی، از دیگر روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است. این روش برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲ ارائه شد؛ مدل‌های چندمعیاره برای انتخاب گزینه برتر مورد استفاده قرار می‌گیرند (جوانی و عنابستانی، ۱۳۹۴: ۱) و انتخاب معمولاً یا از طریق تعیین سطح مطلوب برای معیارها و یا مقایسه بین گزینه‌ها صورت می‌گیرد. اجرای مدل الکترا دارای هشت مرحله است؛ ۱. نرمال‌سازی، ۲. ماتریس بی‌مقیاس موزون، ۳. مشخص کردن مجموعه هماهنگ و ناهماهنگ، ۴. محاسبه ماتریس هماهنگی، ۵. محاسبه ماتریس ناهماهنگی، ۶. تعیین ماتریس هماهنگ مؤثر، ۷. مشخص کردن ماتریس ناهماهنگ مؤثر و ۸. مشخص کردن ماتریس کلی و مؤثر (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱). کاربرد مدل‌های مورد استفاده به این طریق است که با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای، شاخص‌های تحقیق وزندهی می‌شود.

محدوده مورد مطالعه

قوچان با ۱۲۰۰ هکتار وسعت و ۱۰۱۶۰۴ نفر جمعیت، مرکز شهرستانی به همین نام است که در شمال غربی استان خراسان رضوی، در پهنه‌ای ناهموار و کوهستانی استقرار یافته و به‌جز نواحی شهر قوچان (شکل ۳)، بقیه این محدوده در تصرف ارتفاعات، فلات‌ها و تپه‌ها قرار دارد (مظلوم علی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۲). همین شرایط باعث شده است که اشتغال ساکنین آن بیشتر در حوزه کشاورزی و دامداری بوده و ساکنین این حوزه، ارتباط عمیقی با طبیعت داشته باشند. اما گروهی از این افراد که به هر دلیل ناچار از اقامت در شهر می‌شوند، مشکلات متعددی را تجربه می‌کنند که همین امر نیاز به برنامه‌ریزی و تعدیل این مشکلات را دوچندان می‌سازد. اما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های

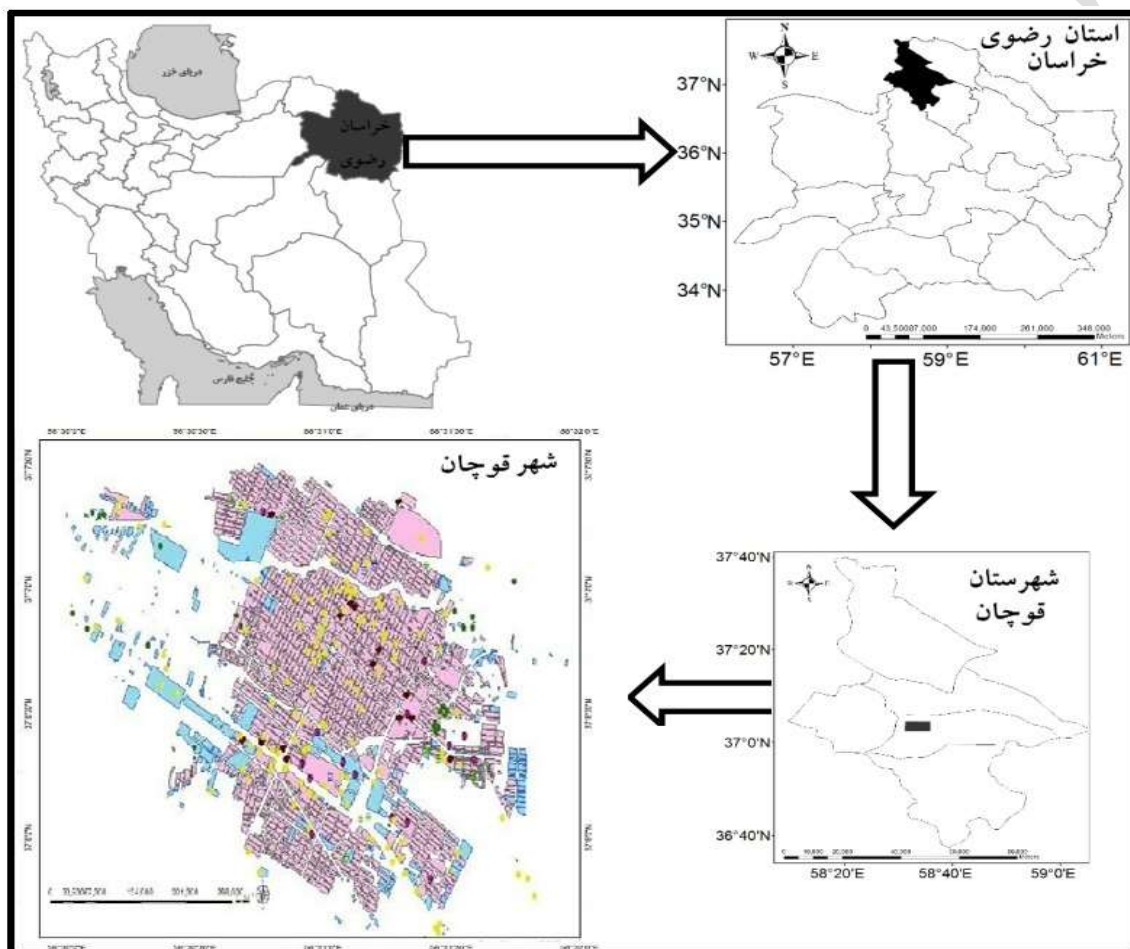
^۱. Saaty

فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال دوازده، شماره ۲، پیاپی ۱، زمستان ۱۳۹۹؟؟؟

تأثیرگذار در این ارتباط، یعنی فضاهای سبز و مانک‌ها، در مقایسه با سایر کاربری‌ها، شرایط نامساعدتری دارد (گندمکار، ۱۳۹۱: ۷۸). حتی در بین همین مجموعه ضعیف، تنها چند پارک مشخص، شرایط و امکانات بهتری دارند که در این بررسی تلاش شده است که مهاجرین ساکن در پیرامون همین مانک‌ها مورد بحث و بررسی قرار گیرند (جدول ۱).

جدول ۱. مانک‌های منتخب شهر قوچان

منطقه	نام پارک	مساحت (مترمربع)
۱	ملت	۱۵۰۰۰
۲	کوهستان	۶۹۰۰۰
۳	ملی	۷۷۴۶
۴	فهمیده	۲۲۹۰۵



شکل ۳. موقعیت قوچان در ایران و استان خراسان رضوی

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)



شکل ۴. موقعیت مانگ‌های مورد مطالعه

یافته‌ها

فرض اصلی این پژوهش آن بود که روستائیان به دلیل ارتباط بی‌واسطه با طبیعت، از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی مناسبی برخوردارند و وقتی در شهر ساکن می‌شوند، این شرایط دچار افت اساسی می‌گردد. به همین منظور، ابتدا وضعیت سلامت این گروه از افراد با استفاده از پرسشنامه سلامت عمومی مورد سنجش قرار گرفت. به این منظور، از بین مهاجرینی که در یک سال گذشته برای سکونت به شهر قوچان اقدام کرده بودند، ۳۰۰ نفر به صورت نمونه در دسترس انتخاب گردید. داده‌های استخراج شده نشان داد که نمرات این گروه در بخش خرده مقیاس‌های مورد بررسی، بین صفر تا هفت بوده و نمرات در کل پرسشنامه نیز کمتر از ۲۲ می‌باشد. مطابق این اطلاعات، می‌توان ادعا کرد که روستائیان قبل از زندگی در شهر، کمترین نشانه‌های ناراحتی‌های جسمی و روانی را از خود نشان می‌دهند. در نتیجه، اگر نمرات افرادی که مدت طولانی را در شهر زندگی نمودند بیشتر از این میزان باشد، می‌توان ادعا نمود که این مشکلات ناشی از زندگی در شهر بوده و بایستی برای آن راهکار مناسبی جستجو نمود. برای آزمون این فرض، اطلاعات ۲۸۶ نفر که در طی این بررسی گردآوری شده بود، وارد تحلیل نهایی گردید. در بین نمونه مورد بررسی، تعداد ۱۴۳ نفر دارای دسترسی مناسب به مانگ‌ها و فضاهای سبز بودند و به همین تعداد هم از خانوارهایی انتخاب شدند که دسترسی کمتری به این فضاها داشتند. برخی از خصایص جمعیت شناختی این گروه در جدول شماره ۲، ارائه شده است.

مطابق جدول ۲، جامعه مورد بررسی از وضعیت سواد نسبتاً متوسطی برخوردار بوده و اکثریت آنان سوادی در حد دیپلم و پایین‌تر داشتند. به لحاظ اشتغال نیز عمدتاً در گروه‌های شغلی غیر اداری اشتغال داشته‌اند. به لحاظ مدت اقامت نیز در هر دو گروه افراد با سابقه سکونت کمتر از ۱۰ سال، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده بودند.

جدول ۲. برخی از مهم‌ترین شاخص‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی و اجتماعی نمونه

شرح سواد	دارای دسترسی	فاقد دسترسی
تعداد	درصد	تعداد
درصد	تعداد	درصد
ابتدایی	۴۱	۲۲
راهنمایی	۴۲	۵۳
دیپلم	۵۲	۳۶/۴
فوق دیپلم و بالاتر	۸	۵/۳
		۱۵

فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال دوازده، شماره ۲، پیاپی ۱، زمستان ۱۳۹۳؟؟؟

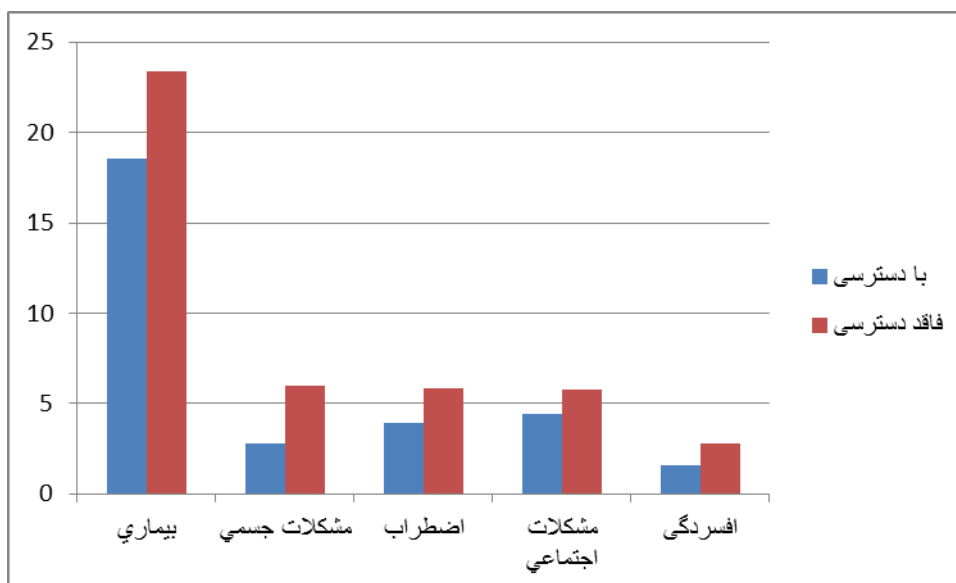
۱۷/۷	۲۶	۱۱/۹	۱۷	اداری	شغل
۲۶/۵	۳۹	۳۳/۱	۳۳	کارگر	
۵۴/۴	۸۰	۵۷/۳	۸۲	آزاد	
۱/۴۰	۲	۷/۷	۱۱	بیکار	
۴۵/۵	۶۵	۴۶/۹	۶۷	کمتر از ۱۰	مدت اقامت (سال)
۳۵/۷	۵۱	۳۳/۶	۴۸	۱۰ تا ۱۵	
۱۸/۹	۲۷	۱۹/۶	۲۸	بیشتر از ۱۵	سطح رفاه
۲۸/۰	۴۰	۳۵/۰	۵۰	مناسب	
۳۹/۲	۵۶	۳۲/۹	۴۷	متوسط	
۳۲/۹	۴۷	۳۲/۲	۴۶	بد	
۱۲/۲۸	۲۰	۱۰/۵	۱۵	دارد	اختلافات محلی
۸۶/۲	۱۲۵	۸۹/۵	۱۲۸	ندارد	

مؤلفه‌های آماری مربوط به نتایج آزمون سلامت عمومی و خرده مقیاس‌های آن شامل نشانگان جسمانی، نشانگان اضطراب و بی‌خوابی، وضعیت عملکرد اجتماعی و نشانگان افسردگی، در بین دو گروه در شکل ۵ و جدول ۳ نشان داده شده است. مطابق جدول ۳، مشاهده می‌شود که نمرات دو گروه در سلامت عمومی، تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. در واقع، مجموعه نمرات دو گروه در محدوده بین ۳۰ تا بیش از ۴۳ بوده است و این امر نشانگر آن است که حداقل در برخی از زمینه‌ها، هر دو گروه با چالش‌هایی روبرو هستند. به خصوص این امر برای گروهی که دسترسی کمتری به مانک‌ها دارند، نگران‌کننده بوده و نشان‌دهنده آن است که سلامت این گروه در بسیاری از موارد در معرض آسیب قرار گرفته و باید برای بهبود شرایط زندگی و سلامت روان آن‌ها، اقداماتی در دستور کار قرار گیرد. مطابق اطلاعات این جدول، در حالی که میانگین نمرات کسانی که از پارک استفاده نمی‌کردند، حدود ۲۴ می‌باشد، این مقدار برای خانوارهای با دسترسی مناسب حدود ۱۹ بوده است. شرایطی که نشانگر وضعیت سلامت بهتر گروه دوم است. سطح معنی‌داری برای این اختلاف هم ۱۳ هزارم است که مشخص می‌سازد این اختلاف ناشی از تصادف نمی‌باشد. برای سلامت جسمانی نیز این اختلاف در حدود ۳ بوده و معنی‌داری هم حدود ۳۲ هزار می‌باشد و باز هم نشان می‌دهد که اختلاف مشاهده شده، ناشی از تصادف نمی‌باشد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مربوط به نتایج اجرای آزمون‌ها در دو گروه

شرح	وضعیت دسترسی	میانگین	انحراف	ضریب	انحراف	معنی‌داری
بیماری	-	۳۳/۳۸	۸/۰۸	۲/۲۸	۱/۴	۰/۰۱۳
	√	۱۸/۵۴	۵/۰۸	۰/۱۱	۰/۰۶	
مشکلات جسمی	-	۵/۹۹	۲/۳۰	۲/۰۳	۱/۳۹	۰/۰۳۲
	√	۲/۷۷	۱/۴۴	۰/۱	۰/۰۷	
اضطراب	-	۵/۸۴	۲/۳۶	۱/۶۳	۱/۴	۰/۰۰۹
	√	۳/۹۰	۱/۲۳	۰/۰۹	۰/۰۳	
مشکلات اجتماعی	-	۵/۸۰	۲/۲۰	۰/۱۶۴۱	۱/۴۰	۰/۰۴۹
	√	۴/۳۹	۱/۲۸	۰/۰۳	۰/۰۳	
افسردگی	-	۲/۷۶	۳/۱۱	۲/۶۲	۱/۴۰	۰/۰۴۰
	√	۱/۵۶	۱/۸۲	۰/۰۵	۰/۰۳	

بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)



شکل ۵. وضعیت شاخص‌های توصیفی در بین دو گروه آزمودنی

در زمینه پارامتر اضطراب نیز اختلاف بین گروه‌های با دسترسی بهتر و گروهی که کمترین دسترسی را دارند، قابل ملاحظه و در حد ۵ است. این اختلاف نیز ناشی از تصادف قلمداد نمی‌شود، چرا که سطح معنی‌داری در حدود ۹ هزارم می‌باشد. در ارتباط با عملکرد اجتماعی، تفاوت اندکی تعدیل شده و کمتر از ۲ واحد است. سطح معنی‌داری نیز بسیار نزدیک به ۵ صدم می‌باشد. نکته بسیار مهم آن بود که مهاجرین با منشأ دشتی و مناطق پست که علی‌القاعده با تنگناهای طبیعی و فضاهای سبز بیشتری مواجه بوده‌اند، وابستگی کمتری به این‌گونه عملکردها در شهر داشته و نمره سلامت آن‌ها تغییرات کمتری را نشان می‌داد. اما مهاجرین با منشأ کوهپایه‌ای و مرتفع، احساس نیاز بیشتری به فضاهای سبز و طبیعی داشته و نمرات وضعیت سلامت آن‌ها (۳/۹۰ در مقابل ۵/۸۴)، بر اساس تغییر دسترسی به مانک‌ها، دچار نوسان بیشتری می‌شد. علاوه بر آن مهاجران با منشأ دشتی فضاهای سبز درختی و سایرین، چمن، گل و بوته را ترجیح می‌دادند.

برخلاف آن که وضعیت رفاهی و اختلاف با همسایگان تا حدودی متفاوت بوده، ولی یافته‌های به دست آمده نشان‌دهنده آن است که روستائینی که به شهر می‌آیند، به سرعت خود را با شرایط جدید انطباق نمی‌دهند و همین امر ضرورت آموزش و ارتقای فرهنگ شهری را مطرح می‌سازد. وضعیت افسردگی نمونه مورد بررسی در دو گروه با دسترسی مناسب و نامناسب به مانک‌های شهری مبین آن است که تفاوت چندانی بین دو گروه دیده نمی‌شود و ظاهراً هر دو گروه بعد از ورود به شهر، با مشکلات نسبتاً مهمی مواجه بوده‌اند. وضعیت رفاه و همچنین وضعیت تنش بین همسایگان در گروه با دسترسی کمتر خیلی بیشتر از گروه با دسترسی بالاتر به مانک‌ها و فضاهای سبز شهری می‌باشد. در مجموع، می‌توان عنوان نمود که اصولاً روستائینی که به شهر وارد می‌شوند، از نظر سلامتی دچار مشکل شده و نیازمند مراقبت و مداخلات بهداشتی هستند. با توجه به این که گروه‌های با دسترسی کمتر به مانک‌ها و فضاهای سبز شهری وضعیت بحرانی‌تری دارند، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به این گروه، اولویت بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد.

به جهت آن که تأثیرات نوع تجهیزات و تأسیسات موجود در این مانک‌ها، در ارتقای سلامت شهروندان مشخص شود، مانک‌های مورد اشاره با استفاده از تحلیل شبکه‌ای و مدل‌های ANP، تاپسیس و الکترا، دسته‌بندی شدند. از آنجا که ارائه تمام نتایج به دست آمده برای تمام مدل‌های مورد اشاره غیرممکن است، در اینجا تنها به خروجی‌های مربوط به مدل الکترا در جدول ۴ اکتفا شده است.

با توجه به جدول ۴، از نظر دسترسی به فضاهای فرهنگی و آموزشی، کوهستان پارک نشاط بیشترین فاصله را با این مراکز دارد و پس از آن پارک شهید فهمیده، ملت و ملی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با توجه به این که فاصله استاندارد تا فضاهای آموزشی برای مانک‌ها کمتر از ۱۵۰ متر است، هرچه فاصله از این میزان افزایش یابد، از امتیاز پارک کاسته می‌شود. بنابراین از نظر این شاخص پارک ملی با کمترین فاصله از مراکز فرهنگی و آموزشی در بهترین شرایط قرار دارد و بعد از آن مانک‌های شهید فهمیده، کوهستان پارک نشاط و ملت در رتبه‌های بعدی قرار دارند و وضعیت نامطلوب و نامساعدی نسبت به پارک ملی دارند از نظر این شاخص دارند.

جدول ۴. ولویت‌بندی پارک‌ها براساس روش الکترا

پارک	برد	باخت	پاسخ نهایی
------	-----	------	------------

ملت	۰	۲	-۲
نشاط	۲	۰	۲
ملی	۲	۱	۱
فهمیده	۰	۱	-۱

مطابق تحلیل‌های صورت گرفته، مشخص گردید که به لحاظ فرهنگی، مانک‌های ملت و ملی، نسبت به سایر مانک‌ها وضعیت بهتر و مناسب‌تری دارند. این در حالی است که اگر معیار کالبدی در کانون توجه باشد، جایگاه برتر به کوهستان پارک نشاط اختصاص پیدا کرده و مانک‌های ملی، شهید فهمیده و ملت در ردیف‌های بعد جای می‌گیرند. با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های زیست‌محیطی، جایگاه مانک‌ها با اندکی تغییر به صورت کوهستان پارک نشاط، ملی، شهید فهمیده و در نهایت ملت خواهد بود. اما اگر ویژگی‌های مربوط به دسترسی اولویت اصلی باشد، پارک شهید فهمیده و ملی ردیف‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده و کوهستان پارک نشاط و ملت در ردیف‌های سوم و چهارم جای می‌گیرند. با این دسته‌بندی، می‌توان عنوان نمود که کوهستان پارک نشاط و ملی، با تأمین اغلب و یا تمام ویژگی‌های مورد اشاره وضعیت برتر را در اختیار داشته و در ادامه مانک‌های شهید فهمیده و ملت در ردیف‌های بعدی جای می‌گیرند. به‌طور مشخص، در مدل تاپسیس، کوهستان پارک نشاط در تمام شاخص‌های مورد بررسی بهترین وضعیت را به دست آورده است. بعد از این پارک، مانک‌های ملی، شهید فهمیده و ملت در ردیف‌های بعدی قرار دارند. مطابق جدول ۳ و با توجه به وضعیت مانک‌های موجود، میزان اثر آن‌ها بر نمره سلامت ساکنین نشان داد که اثر کوهستان پارک نشاط در ارتقا سلامت و تعاملات اجتماعی بیش از سایر مانک‌ها بوده و در مجموع ۵ واحد وضعیت سلامتی را بیشتر از سایر مانک‌ها بهبود می‌بخشد. تحلیل‌های آماری نشانگر آن است که چون سطح معنی‌داری در حد ۰/۰۰۰ می‌باشد، این تفاوت ناشی از تصادف نمی‌باشد. این در حالی است که اثر سه پارک دیگر، علی‌رغم تفاوت به لحاظ کیفیت تأسیسات و تجهیزات موجود، در زمینه بهبود و ارتقای سلامت و تعاملات اجتماعی به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. چرا که سطح معنی‌داری در این بخش، حدود ۰/۶۹ محاسبه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

شلوغی و ازدحام در شهرها، یکی از عواملی است که به‌شدت سلامت روانی و تعاملات افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تبعات و پیامدهای زندگی در محیط‌های آلوده، پرازدحام و تنش‌زا، بسته به نوع، شدت و مقدار، متفاوت بوده، اما همگی معمولاً به وخیم شدن وضعیت سلامت جسمانی و روانی فرد منتهی می‌شوند. در واقع، چنین محیطی‌هایی اختلالات شدید روانی همچون اختلال افسردگی اساسی، اختلال هویت تجزیه‌ای، اختلال شخصیت مرزی، نشانگان گسست و یا روان‌پریشی را در پی دارند (اکبریان، ۱۳۹۸: ۳). از آنجا که اکنون بیش از ۷۵ درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی کرده و حتی شهرهای کوچک نیز با چنین مشکلاتی مواجه هستند (گندمکار، ۱۴۰۱)، پژوهش در این زمینه ضروری احساس شد. با وجود این، چون وضعیت سلامت شهروندان اصلی از قبل مشخص نبود، این شرایط برای گروه‌هایی مورد توجه قرار گرفت که از مناطق روستایی به شهر وارد شده بودند. برای آزمون این فرضیه، در ابتدا گروهی از مهاجرینی که به‌تازگی از مناطق روستایی به شهر وارد شده بودند، مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که آن‌ها نسبت به متوسط وضعیت شهر، از شرایط بهتری برخوردارند.

در این پژوهش، تلاش شد از ساده‌ترین شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردد و تا حد امکان، دشواری‌های مربوط به پژوهش در حیطه تابوهای اجتماعی کنار گذاشته شود تا پاسخها دقیق و تا حدودی منطبق با شرایط واقعی باشد. همان‌طور که در بخش روش تحقیق بیان شد، پاسخگویان سرپرستان خانوار و یا کسانی بودند که تحصیلات و اطلاعات بیشتری داشتند. هدف این بود که وضعیت سلامت عمومی روستائیان ورودی به شهر در دو موقعیت همجواری با مانک‌های شهر و دوری از این عملکردها و همین‌طور کیفیت و نحوه دسترسی و ... مانک‌ها، مورد ارزیابی قرار گیرد. معیار اصلی در این تقسیم‌بندی، شعاع ۵۰۰ متر در پیرامون مانک‌های اصلی شهر بود که تأسیسات و تجهیزات نسبتاً کاملی داشتند. به این معنا که خانوارهای مستقر در این شعاع به‌عنوان خانوارهای با دسترسی راحت به پارک تعریف شده و سایرین فاقد دسترسی قلمداد گردیدند. چرا که تحقیقات نشان می‌دهد در نظر گرفتن دسترسی و جامعه‌پذیری مهم‌ترین عامل در افزایش کیفیت مانک‌ها می‌باشد (علوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۷). نتایج حاصل از این مقایسه نشان داد که سلامت عمومی افرادی که فاصله بیشتری از مانک‌ها دارند، نسبت به گروه دیگر که ارتباط نزدیک‌تری با مانک‌ها و فضاهای سبز دارند، پایین‌تر است و هر چه کیفیت و کمیت پارک بهتر باشد، این تأثیرگذاری افزون‌تر خواهد بود. مطابق پژوهش‌های صورت گرفته در سایر کشورها و از جمله ایران، نتایج به

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

دست آمده در این تحقیق با سایر بررسی‌ها هماهنگ می‌باشد (آستان‌بوس و پرویان، ۱۴۰۰: ۱۷، دوبران و غایبلو، ۱۳۹۷: ۱۳۷). به‌عنوان مثال، در تحقیق وال (۱۴۰۰) مشخص گردید کسانی که با افسردگی روبرو بوده‌اند و بعد با طبیعت رابطه بیشتری پیدا کرده‌اند، بهبودی‌شان ۵ برابر بهبودی سایرین بوده است (وال، ۱۴۰۰).

در مطالعه حاضر مشخص شد که نشانگان و شکایات جسمانی در گروه فاقد دسترسی مناسب به مانک‌ها، نسبت به گروه دیگر به صورت معنی‌داری افزون‌تر است. این بهبودی در کسانی که در مجاورت مانک‌های با کیفیت‌تر به خصوص کوهستان پارک شادی اقامت داشتند، بسیار بیشتر از سایر مانک‌ها بود، این یافته نیز با تحقیقات ایرانی و خارجی صورت گرفته در همین حوزه، هماهنگ و هم‌راستا به نظر می‌رسد (اکبری‌ان، ۱۳۹۸ و Zhang et al., 2020).

در این بررسی مشخص گردید که نشانه‌های افسردگی در افراد گروه با دسترسی کمتر به فضاهای سبز و یا پارک‌هایی که فاقد تأسیسات و تجهیزات کافی و مناسب هستند، نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر است ($P=0/04$). این نتیجه، با یافته‌های تحقیقات انجام شده در این زمینه، هماهنگی کاملی نشان می‌دهد (Zhou et al., 2022). از همین‌رو، برخی از محققان تأکید دارند، مانک‌ها و فضاهای سبز شهر، بخشی از ساختار شهری می‌باشند که طراحی آن می‌بایست در راستای ضروریات زندگی شهری و پاسخگویی به نیاز شهروندان قرار گیرد (عالی‌نسبت و سوزنچی، ۱۳۹۲: ۵۱).

در ارتباط با بقیه شاخص‌های عملکرد اجتماعی و اضطراب و بی‌خوابی نیز رابطه آماری معنی‌داری به دست آمد. البته میزان اعتماد در این زمینه اندکی پایین‌تر می‌باشد. این علت را بایستی در نوع مواجهه افراد در محیط‌های شهری و نوع عکس‌العمل آنان جستجو کرد. به‌عنوان مثال، برخی ادعا دارند هنگامی که شخص، پاسخ به عامل استرس‌زای محیطی را یاد گرفته و به طرز موفقیت‌آمیزی تغییر می‌دهد، هرچند تجربه استرس‌زا اصلاً مثبت نباشد، خود تجربه استرس می‌تواند به‌عنوان عامل حمایتی عمل کند (بهرادی و افراز، ۱۳۹۷). به هر حال، با توجه به گسترش فضاهای مجازی و افزایش زمان تنهایی افراد (Faizi & Eisazadeh, 2008: 17)، فضاهای سبز شهری این قابلیت را دارند که با تشویق مردم به پیاده‌روی و تماس چهره به چهره، به اجتماعی‌شدن، تأمین سلامت روانی و در کل پایداری اجتماعی، اثرگذار باشند. نکته جالب توجه آن است که در این بررسی، وضعیت اثرگذاری کوهستان پارک شادی بسیار بیشتر از سایر مانک‌ها بوده است. علی‌رغم آن‌که برتری این پارک به کمک مدل‌های خاص این حوزه تعیین گردیده است، اما اگر بنای تحلیل را بر ابعاد عینی قرار دهیم، تنها تفاوت ظاهری این پارک با سایر مانک‌های مورد بررسی، در وسعت و موقعیت جغرافیایی آن می‌باشد. به این معنا که کوهستان پارک شادی حدود ۶۹ هزار مترمربع وسعت دارد که در مقایسه با کوچک‌ترین پارک (ملی)، وسعتی حدوداً ۱۰ برابری داشته است. علاوه‌بر آن، کوهستان پارک شادی، در موقعیتی قرار گرفته است که کمترین ارتباط را با فضاهای تجاری، مسکونی و ترافیک دارد. شرایطی که شباهت بسیار بیشتری را با موقعیت زندگی قبلی مهاجرین روستایی نشان می‌دهد. بنابراین، هر چه مانک‌های شهری شبیه‌تر به فضاهای بکر طبیعی طراحی و مکان‌یابی شده باشند، تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت.

در مجموع، مانک‌های شهری با فراهم کردن فضایی برای بیان تنوع، افزایش انسجام و تحکیم هویت جامعه، بهترین عملکرد برای تأمین آسایش و آرامش شهروندان محسوب می‌شوند. در واقع، مانک‌های شهری به طرق مختلف کیفیت زندگی را ارتقا بخشیده و فرصت‌هایی برای سبک زندگی سالم‌تر را فراهم می‌کنند.

بوستان‌ها و فضاهای سبز شهری، به‌عنوان بخشی از فضاهای مهم سکونتگاه‌های پرتراکم بشری، علاوه‌بر تأثیرات زیست‌محیطی که در شمار مهم‌ترین کارکردهای آن‌ها مورد توجه می‌باشد، کارکردها و پیامدهای عمده دیگری هم دارند. اغلب محققان برای تعیین این کارکردها و پیامدها، بیشتر متکی بر چهار مدل تأثیرات فضای سبز مشاوران کاربری زمین، مدل ارزیابی تأثیرات سلامتی فضای سبز اسکاتلند، مدل طبیعت و سلامت شورای بهداشت هلند و مدل چیپسورا، بوده‌اند (جنادله، ۱۳۹۵: ۲۲۵). اما این مدل‌ها کمتر به پیامدهای عینی و قابل‌لمس این کارکردها تأکید دارند و به‌ندرت در برنامه‌ریزی شهری به خصوص در سطح محلی (شهرداری‌ها) منجر به طرح پروژه‌های اساسی می‌شوند. به همین دلیل، در این بررسی تلاش بر آن قرار گرفت تا پیامدهای عینی مانک‌ها و فضاهای سبز شهری مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا مردم و مسئولین محلی در رفتار و کنش روزانه خود بر آن تأکید و توجه نمایند. علاوه‌بر آن، در این بررسی نمونه انتخابی از روستائینی انتخاب گردید که از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند و علاقه و توجه بیشتری از ساکنین اصلی شهر به فضاهای سبز و مانک‌ها داشتند. نکته اساسی‌تر آن که یکی از پارامترهای حیاتی زندگی بشر در این بررسی، یعنی سلامتی در کانون توجه بود که همه گروه‌ها و بخش‌ها بر آن تأکید دارند. همچنین به جهت آن‌که تاکنون بیشتر بر کمیت فضاهای سبز تأکید شده و شهرداری‌ها اغلب هر جا زمین خالی و بلااستفاده‌ای را به دست می‌آورند به پارک تبدیل می‌کنند (صابری‌فر، ۱۳۹۴: ۳۹)، این مطالعه تلاش نمود با استفاده از مدل -

فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال دوازده، شماره ؟، پیاپی ؟، زمستان ؟؟؟

های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشان دهد که تنها پارک‌هایی در زندگی ساکنین شهر اثرگذارند که با معیارهای استاندارد بودن و وسعت، موقعیت و کیفیت امکانات و تأسیسات موجود، مطابقت داشته باشند.

با توجه به رویکرد و روش مدنظر بررسی کنونی، یافته‌های اساسی آن را می‌توان به شکل زیر خلاصه نمود:
مطابق یافته‌های این بررسی، روستائینی که به‌تازگی از نقاط روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند، کمترین نشانگرهای تنش‌های جسمانی و روانی را بروز داده و با افزایش مدت اقامت در شهر، این نشانگان رو به افزایش گذاشته و بر تمامی ابعاد و عناصر زندگی این گروه تأثیرگذار می‌باشد.

معمولاً روستائیان علاقه فراوانی دارند تا در مجاورت فضاهای سبز و طبیعی موجود در شهر استقرار پیدا نمایند. این شرایط برای ساکنینی که از مناطق سرسبزتر به شهر مهاجرت کرده‌اند، بسیار بیشتر از مهاجرین با سرمنشأ دشتی و خشک است. با وجود این، به جهت این که مناطق همجوار مانک‌ها، قیمت بالایی دارند، افرادی که از توان مالی کمتری برخوردارند، از دسترسی به این مناطق محروم شده و ناچارند، آثار و پیامدهای این محرومیت را متحمل شوند.

بررسی کنونی نشان داد که نزدیکی به مانک‌ها و فضاهای سبز موجود نه‌تنها تأثیر غیرقابل‌انکاری بر سلامت جسمی و روانی افراد دارد، بلکه تنش‌های فردی و اجتماعی را هم به شکل قابل‌ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد.

با توجه به خصایص اجتماعی و اقتصادی اظهار شده توسط شرکت‌کنندگان در این بررسی، مشخص گردید که نه‌تنها همجواری با فضاهای سبز شهری بر ابعاد اجتماعی و فردی اثرگذار است، بلکه در تربیت و تحصیل فرزندان، تنش‌های خانوادگی و بعضاً میزان طلاق هم مؤثر است. این یافته در تحقیقات جنادله (۱۳۹۵)، به نوع دیگری مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق اعلام پاسخگویان، بسیاری از آنانی که در مجاورت مانک‌ها و فضاهای سبز زندگی می‌کنند، ساعات بیشتری را با سایر همشهریان گفتگو و تعامل داشته و از این طریق دایره روابط اجتماعی و فردی خود را وسعت داده و حتی همین موهبت باعث شده است که آنان در مقایسه با هم‌ولایتی‌های خود، شغل بهتر و درآمد بالاتری به دست آورند.

مطابق یافته‌های این بررسی، تأثیر مانک‌ها و فضاهای باز شهری، تنها محدود به وسعت، تأسیسات و تجهیزات موجود و نوع دسترسی نشده، بلکه موقعیت مانک‌ها و فاصله داشتن این مجموعه‌ها از عملکردهای مزاحم شهری، تأثیر غیرقابل‌انکاری بر پیامدهای مثبت آن‌ها دارد.

علی‌رغم آن که عوامل متعدد و گوناگونی بر ارتقای کیفیت زندگی انسان اثرگذار بوده و نمی‌توان آن‌ها را به‌راحتی از هم مجزا ساخت، اما بر اساس یافته‌های این بررسی، در صورت ثابت بودن سایر شرایط، دسترسی به مانک‌های شهری مناسب، بهترین عامل پیش‌بینی‌کننده، میزان سلامت، تعاملات اجتماعی و حتی سطح درآمد و مهارت ساکنین می‌باشد.

یکی دیگر از یافته‌های اساسی این مطالعه آن بود که برخلاف روند استانداردسازی که اکنون در زمینه طراحی و مکان‌گزینی فضاهای سبز شهری وجود دارد، شهروندان در شهرهای با اقلیم و طبیعت مختلف، نیاز کاملاً متفاوتی به فضاهای سبز شهری دارند. همچنین ترجیحات شهروندان با توجه به منشأ جغرافیایی آن‌ها متفاوت می‌باشد. به‌طوری که شهروندانی که اصالتاً در مناطق خشک و نیمه‌خشک متولد شده‌اند، فضاهای سبز درختی را که به آب کمتری نیاز دارند، ترجیح می‌دهند. این در حالی است که متولدین مناطق مرطوب، فضاهای پوشیده از چمن را می‌پسندند. بنابراین، در صورتی که به این ویژگی‌ها توجه گردد، بسیاری از تنگناهایی که در این حوزه مطرح می‌شود، اهمیت خود را از دست می‌دهند.

راهکارها

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهادها اصلی را می‌توان به شرح زیر خلاصه و دسته‌بندی کرد:

- ضرورت بررسی سایر پیامدهای توزیع نامناسب مانک‌ها و فضاهای سبز شهری، در مطالعات آتی؛
- توجه بیشتر به مکان‌گزینی و تجهیز مانک‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
- اهمیت غیرقابل‌انکار مانک‌ها و فضاهای سبز، براساس نیاز و خواست شهروندان؛
- ضرورت توجه به رویکردهای اجتماعی، برای به حداکثر رساندن پیامدهای مثبت فضاهای سبز شهری.

سپاسگزاری

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

نویسنده از پرسنل شهرداری قوچان به جهت در اختیار قرار دادن اطلاعات مورد نیاز و کمک به تکمیل پرسشنامه‌ها و همچنین داوران گرامی که به غنای مقاله کمک کردند، تقدیر و تشکر می‌نماید.

References

- Abbasi, A. (2021). The role of urban agriculture in the formation of the urban landscape, *New Researches in Geographical Sciences. Architecture and Urban Planning*, 33, 199-187. (In Persian) <https://civilica.com/doc/1765607>
- Akbarian, A. (2018). The effect of urban green spaces in improving mental health, *Architecture*, 13, 1-5. (In Persian). <http://ensani.ir/fa/article/download/419485>
- Alavi, A., Ghasemi, A., & Ahmedabadi, A. (2013). Per capita spatial evaluation and analysis of urban parks (case study: District 6 of Tehran). *Journal of Spatial Planning*, 17(1), 127-150. (In Persian) <http://hsmasp.modares.ac.ir/article-21-11080-fa.html>
- Alinasab, M., & Suzanchi, K. (2013). Kianosh Sustainable development of urban River Valley based on ecological assessment (Case study: Darabad River Valley, Tehran), *Naghshe Jahan*, 3(2), 51-61. (In Persian) <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-3668-fa.html>
- Anjam Al-Shuja, F., Taze, M., Bahadri Amjaz, F., & Maruti, M. (2021). Investigating the relationship between thermal islands and the extent of green space and revealing its changes (case study, Kerman city), *Geography and Environmental Sustainability*, 41, 106-83. (In Persian) <https://dx.doi.org/10.22126/ges.2022.6836.2439>
- Astan-Bos, N., & Paroyan, N. (2021). *The role of green spaces in the mental health of citizens*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad 2021; 237. (In Persian) https://jtbcp.riau.ac.ir/article_1421_438f706ccb3243eb998571aaa0b32d0e.pdf
- Balikçi, S., Giezen, M., & Arundel, R. (2022). The paradox of planning the compact and green city: Analyzing land-use change in Amsterdam and Brussels, *Journal of Environmental Planning and Management*, 65(13), 2387-2411. <https://doi.org/10.1080/09640568.2021.1971069>
- Behzadi, S., & Afrazi, A. (2017). Comparison of mental health status among two groups of students with and without a history of sexual abuse, *Thought and Behavior*, 47, 36-27. https://jtbcp.riau.ac.ir/article_1421_438f706ccb3243eb998571aaa0b32d0e.pdf
- Bottero, M., Caprioli, C., Foth, M., Mitchell, P., Rittenbruch, M., & Santangelo, M. (2022). Urban parks, value uplift and green gentrification: An application of the spatial hedonic model in the city of Brisbane, *Urban Forestry & Urban Greening*, 74, 42-59. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127618>
- Cao, Y., Li, Y., Shen, S., Wang, W., Peng, X., Chen, J., Liao, J., Lv, X., Liu, Y., Ma, L., Hu, G., Jiang, J., Sun, D., Jiang, Q., & Liao, Q. (2024). Mapping urban green equity and analysing its impacted mechanisms: A novel approach, *Sustainable Cities and Society*, 101, 50-71. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.105071>
- Cornelis, J., & Hermy, M. (2004). Biodiversity relationships in urban and suburban parks in Flanders, *Landscape and Urban Planning*, 6, 385-401. <http://dx.doi.org/10.1016/j.landurbplan.2003.10.038>
- Dadsetan, P. (2017). *Depression or a new disease*. Tehran: Growth publications. (In Persian)
- Daviran, S., & Ghayebloo, S. (2018). Quality Assessment of Safety Sustainability in Urban Parks (Case Study: District and Zonal Parks in Rasht City), *Journal of Spatial Planning*, 22(4), 137-169.
- Daz, S., Ghaffari Gilandeh, A., & Azizi, A. (2023). Analyzing the Changes in Urban Green Space of Gorgan City-Iran During 1987-2014, *Journal of Ecology Research*, 14(2), 66-51. (In Persian) <https://doi.org/10.30473/grup.2020.39884.2150>
- De Val, F. (2021). *Mama's last hug*. Teheran: Saylav. (In Persian)
- Du, M., & Zhang, X. (2020). Urban greening: A new paradox of economic or social sustainability? *Land Use Policy*, 92, 13-25. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104487>
- Faizi, M., & Eisazadeh, N. (2008). The Impact of Urban Parks and Green Spaces on Citizens' Health and Quality of Life, *The International Journal of Environmental, Cultural, Economic, and Social Sustainability: Annual Review*, 4(4), 17-24. <https://doi:10.18848/1832-2077/CGP/v04i04/54507>

- Fatemi, M., Movidfar, S., & Rezaei, H. (2021). The role of urban green spaces, *Human Geography Research*, 4, 1191-1208. (In Persian)
- Gandhamkar, R. (2022). *The role of green space in the ecological sustainable development of mid-sized cities in the case of Qochan city*. Master's Thesis of Geography and Urban Planning, Mashhad: Payam E Noor University. (In Persian)
- Girma, Y., Terefe, H., & Pauleit, S. (2019). Urban green spaces use and management in rapidly urbanizing countries:-The case of emerging towns of Oromia special zone surrounding Finfinne, Ethiopia, *Urban Forestry & Urban Greening*, 43, 63-75. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2019.05.019>
- Hadari, A. (2024). Analysis of Spatial Structure of Urban Parks in terms of Crime Potential for Women Case Study: Azadi Park in Shiraz, *Journal of Urban Ecology Research*, 15(1), 1-20. (In Persian). <https://doi.org/10.30473/grup.2024.37972.2073>
- Hartig, T., Mang, M., & Evans, G. 1991. Restorative effects of natural environments experiences, *Environ. Behav.*, 23: 3–26. <https://doi.org/10.1177%2F0013916591231001>
- Hashemi, E., Kafi, M., Hashemi, M., & Khansfid, M. (2018). Analysis of changes in urban green space; A case study of the second district of Tehran, *Journal of Environmental Science*, 6(3), 86-73. (In Persian)
- Hosseinpour, A., Golzardi, S., & Hakimzadeh, S. (2012). An analysis of the environmental effects on the physical development of Zanjan city, *J of architecture and urban planning and sustainable development*, 2, 15-9. (In Persian) <https://ensani.ir/fa/article/download/319153>
- Hunter, R. F., Cleland, C., Cleary, A., Droomers, M., Wheeler, B. W., Sinnett, D., Nieuwenhuijsen, M. J., & Braubach, M. (2019). Environmental, health, wellbeing, social and equity effects of urban green space interventions: A meta-narrative evidence synthesis. *Environment International*, 130, 49-63. <https://doi.org/10.1016/j.envint.2019.104923>
- Iftekhar, M. S., Polyakov, M., & Rogers, A. (2022). Valuing the improvement of a decommissioned heritage site to a multifunctional water sensitive greenspace, *Journal of Environmental Management*, 313, 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2022.114908>
- Jabbar, M., Yusoff, M.M., & Shafie, A. (2021). Assessing the role of urban green spaces for human well-being, *GeoJournal*, 20, 45-49. <https://doi.org/10.1007/s10708-021-10474-7>
- Janadleh, A. (2016). Urban Green Space and The Quality of Life (A model for the assessment of the social impact of urban green space and its empirical application in three parks of Tehran), *Social Development & Welfare Planning*, 8(27), 225-284. (In Persian) <https://doi.org/10.22054/qjds.2016.5944>
- Javani, K. & Anabestani, A. (2015). Comparative Analysis of Multi Criteria ANP & AHP Decision Making green spaces in rural location, *Journal of Spatial Planning*. 2016; 19 (4), 1-32. (In Persian) <http://hsmasp.modares.ac.ir/article-21-5742-fa.html>
- Kato-Huerta, J., & Geneletti, D. (2023). A distributive environmental justice index to support green space planning in cities. *Landscape and Urban Planning*, 229, 45-59. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104592>
- Koshki, P., Pourkhabaz, H., Yousefi Khanqah, S., & Javanmardi, S. (2019). Modeling the ecological potential of development use (case study: the outskirts of Borujerd city), *Space planning and design*, 24(2), 111-140. (In Persian) <http://hsmasp.modares.ac.ir/article-21-38832-fa.html>
- Kuo, F.E., & Sullivan, W.C. (2001). Environment and crime in the inner city, Does vegetation reduce crime, *Environ. Behav*, 3(33), 343–367. <https://doi.org/10.1177%2F0013916501333002>
- La Rosa, D., Takatori, C., Shimizu, H., & Privitera, R (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces, *Sustainable Cities and Society*, 36, 346–362. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.10.026>
- Liu, Y., Wang, R., Lu, Y., Li, Z., Chen, H., Cao, M., Zhang, Y., & Song, Y. (2020). Natural outdoor environment, neighbourhood social cohesion and mental health: Using multilevel structural equation modelling, streetscape and remote-sensing metrics. *Urban Forestry & Urban Greening*, 48, 65-76. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2019.126576>

- Mahdnejad, H., & Aini, D. (2024). Meta-analysis of the typology of post-corona city patterns, *Journal of Ecology Researcg*, Inpress. (In Persian). <https://doi.org/10.30473/grup.2023.67380.2774>
- Majnounian, H. (1980). *Trees and environment*. Tehran: Publications of Environmental Protection Organization. (In Persian)
- Marouf, M. (2010). *Investigating how European and Japanese green space design ideas influence the green space of urban parks in some important cities of Iran*. Gorgan: Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources. (In Persian)
- Maury-Mora, M., Gómez-Villarino, M. T., & Varela-Martínez, C. (2022). Urban green spaces and stress during COVID-19 lockdown: A case study for the city of Madrid. *Urban Forestry & Urban Greening*, 69, Article 127492. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127492>
- Mazloun Aliabadi, A. (2016). *Spatial analysis of land and housing prices in Qochan city*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Moghadesi, H. (1993). *Psychology of art for normal and exceptional children*. Tehran: porty. (In Persian)
- Nowruzi, M., & Bemanian, M. (2020). Analysis of the effect of urban green infrastructure on the promotion of environmental sustainability components, *Bi-Quarterly Journal of Architectural Thought*, 3(6), 25-40. (In Persian) <https://doi.org/10.30479/at.2019.11641.1322>
- Organization of Management and Planning of the country. (2001). Urban green space design criteria, *Interior Journal*, 2, 35-33. (In Persian)
- Qin, B., Zhu, W., Wang, J., & Peng, Y. (2021). Understanding the relationship between neighbourhood green space and mental wellbeing: A case study of Beijing, China. *Cities* (London, England), 109, 30-39. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103039>
- Rajaei, M., Malek-Mohammadi, A., & Hosseini, M. (2022). Analysis of the effectiveness of adaptation structures to climate change and sustainable water management in green sector of Tehran, *Geography and Development*, 67, 156-140. (In Persian) <https://doi.org/10.22111/j10.22111.2022.6927>
- Reyes-Riveros, R., Altamirano, A., De La Barrera, F., Rozas-Vásquez, D., Vieli, L., & Meli, P (2021). Linking public urban green spaces and human well-being: A systematic review, *Urban Forestry & Urban Greening*, 61, 27-39. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127105>
- Sabermaash, N., & Mohseni S. (1999). The importance of green space and suggested plants for use in urban green space, The first green space seminar, *Tehran Parks and Green Space Organization*, 21, 439-448. (In Persian)
- Sabrifar, R. & Mazraeh, M. (2013). Analyzing the appropriateness of spatial distribution and location of fire stations using the integration of the Analytical Hierarchy Process (AHP) model in the geographic information system (GIS) environment, *Geography and Environmental Studies*, 3(9), 77-90. (In Persian) https://journals.iau.ir/article_555329.html
- Sabrifar, R. (2014). The role of designing and equipping urban parks in attracting and meeting the needs of visitors (a case study of urban parks in Mashhad), *Geography and Environmental Studies*, 13, 52-37. (In Persian) <https://sanad.iau.ir/Journal/ges/Article/979281/FullText>
- Sabrifar, R. (2023). Analysis of Influential Factors in Design Elements of Child-Friendly Urban Spaces by Using Children's Drawings (Case Study: Parks and Playgrounds in Mashhad), *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 13, 52-37. (In Persian) <https://doi.org/10.22111/gaj.2023.45759.3119>
- Salehi Fard, M., & Alizadeh, D. (2017). An analysis of the social and psychological dimensions of green spaces in cities (with an urban management approach), *Urban Management Quarterly*, 21, 33-19. (In Persian) file:///C:/Users/Rooz/Downloads/Pdf_2024-12-26-163203.pdf
- Ugolini, F., Massetti, L., Pearlmuter, D., & Sanesi, G. (2021). Usage of urban green space and related feelings of deprivation during the COVID-19 lockdown: Lessons learned from an Italian case study, *Land Use Policy*, 105, 23-38. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105437>
- Wu, S., Chen, B., Webster, C., Xu, B., & Gong, P. (2023). Improved human greenspace exposure equality during 21st century urbanization, *Nature Communications*, 14(1), 6460. <https://doi.org/10.1038/s41467-023-41620-z>

:: بررسی وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری بر اساس نیاز بهره‌مندان (نمونه مورد مطالعه، شهر قوچان)

- Wu, L., & Rowe, P. G. (2022). Green space progress or paradox: Identifying green space associated gentrification in Beijing. *Landscape and Urban Planning*, 219, 43-52. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104321>
- Yang, H., Jin, C., & Li, T. (2024). A paradox of economic benefit and social equity of green space in megacity: Evidence from Tianjin in China, *Sustainable Cities and Society*, 109, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2024.105530>
- Yousefi, A., Qassami, F., Salehi, A., & Kafi, M. (2013). Locating and analyzing suitability of urban green space considering ecological principles (case study: Birjand local parks), *J of Environmental Science*, 38(4), 178-169. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jes.2013.29871>
- Zarei, H. (2018). *Designing green spaces and urban and forest parks*. Tehran: Parks and Green Space Organization. (In Persian)
- Zarghampur Boyerahmadi, V., & Qashqaei, R. (2022). The role of integration of green spaces in the amount of social relations of the residents of Yasouj city, *Journal of Geography and Human Relations*, 14, 19-34. (In Persian) https://www.gahr.ir/article_134981_cdf73a286b5a8978685dfedf518b6dd6.pdf
- Zhang, H., Mavoa, S., Zhao, J., Raphael, D., & Smith, M. (2020). The Association between Green Space and Adolescents' Mental Well-Being: A Systematic Review, *Int J Environ Res Public Health*, 17(18), 40-51. <https://doi.org/10.3390%2Fijerph17186640>
- Zhou, R., Zheng, J., Yun, J., & Wang, H. (2022). The Effects of Urban Green Space on Depressive Symptoms of Mid-Aged and Elderly Urban Residents in China: Evidence from the China Health and Retirement Longitudinal Study, *Int J Environ Res Public Health*, 19(2), 717. <https://doi.org/10.3390%2Fijerph19020717>